

زبان و فرهنگ آرامی

زبان آرامی از السنه غربی سامی است که بازبان های فنیقی و عبری از يك منطقه میباشد. تکلم کنندگان باین زبان قومی بودند که آرامی نام داشتند و خود را از بنی آرام میدانستند. از برخی از آثار آشوری معلوم میشود که آرامیها در حوالی سده پانزدهم پیش از میلاد از شبه جزیره عربستان بسوریه و عراق مهاجرت کرده اند ولی نمیتوان دانست که قبل از آن زمان در کدام ناحیه سکونت داشته اند. همیتقدر میدانیم که آنان نیز مانند سایر قبایل بدوی مکان معینی نداشتند بلکه بعال طبیعی و اقتصادی از نقطه ای بقطه دیگر جای بجای میشدند.

حدود قلمرو آرامیها: سامیها نام آرام را به کشور لبنان و سوریه و عراق اطلاق میکردند. در تورات از کشور آرام سرزمینهای اراده شده که در شمال شرقی فلسطین واقع بوده و شرقاً از دجله امتداد یافته بدریای مدیترانه میرسیده و از شمال بسلسله کوههای تاروس ممتد بوده است.^۲

بنابعقیده نویسندگان سریانی جمیع قبایلی را که در قدیم در سر زمین وسیعی که از مشرق بایران و از مغرب بدریای روم و از شمال بایرمنستان و آسیای صغیر و از جنوب بحرستان محدود بود سکنتی داشتند بنی آرام میگفتند برخی از این قبایل بنام های مخصوصی چون اهل بابل و اطراف آن بکلدانینها و ساکنین کشور آشور به آشوریها و اهل شام به ادمیها^۳ مشهور بودند ولی نام آرامی بجمیع آنان اطلاق میشد^۴.

۱- زبانهای سامی را برحسب مناطق جغرافیائی بسه منطقه قسمت کرده اند: شرقی که زبانهای بابلی و آشوری و غربی که فنیقی یا کنعانی و عبری و آرامی و جنوبی که تمام زبانهای رایجه در جنوب شبه جزیره عربستان و حبشی شامل آن میشده است.

۲- قاموس کتاب مقدس در ماده آرام. ۳- دلیل الراجبین فی نفة الارامین.

۴- ادم سر زمینی بود که در جنوب از دریای مرداب تا خلیج عقبه و در مغرب از وادی عربیه تا داشت عربستان امتداد داشت و شهرهای بصره و ایلة و هیصون و حابر از بلاد آن محسوب میشدند ادمیها ابتدا از دشمنان یهود بشمار میرفتند و با ایشان جنگهای بسیار کردند. بالاخره در سال صد و سی قبل از میلاد یوحنا هرکانوس آنرا به تهود یعنی قبول دین یهود مجبور ساخت از مشاهیر این قوم هیرو دس اعظم و پسر اوست کسه عیسی در زمان وی تولد یافت. رومیان در سال ۶۰۵ میلادی بسرداری طرازان بر ادم دست یافتند و آن جای را ضمیمه امپراطوری خود ساختند.

بحث در کلمه آرامی - نام آرام در کتاب تورات سه کس اطلاق شده است .

اول - آرام بن سام بن نوح . « پسران سام: عیلام و آشور و از فکشد و لود و آرام بودند » .
این آرام کسی است که اقوام آرامی خود را از نسل وی میدانستند و قوم آرامی منسوب بوی است .

دوم - آرام نوه ناحور برادر ابراهیم : « خبر به ابراهیم رسید که اینک ملکاه او نیز پسرانی بجهت برادرت ناحور زائیده است یعنی اول زاده اش عوض و برادرش بوز و قومئیل بدر آرام »
سوم - نام یکی از اجداد حضرت مسیح^۷ . بعلاوه در تورات مکرر تصریح شده که زبانی را که قوم سامی نژاد آرامی بدان تکلم میکردند . زبان آرامی نام داشته است .
ما اینک شواهد و امثله راجع بذکر زبان آرامی را در تورات از آن کتاب در اینجا ذکر میکنیم :

« کلدانیان بزبان آرامی به پادشاه گفتند که ای ملک عمرت دراز باد بدین بندگان خود خواب خویش بازگویی که ما تعبیر آن کنیم » .

در تورات در کتاب دوم پادشاهان آمده که رسولان حزقییا پادشاه یهود سردار لشکر آشور که از جانب سناخریب بتسخیر اورشلیم آمده بود گفتند که باما بزبان آرامی سخن گوئید « الیاقیم پسر هلفیاه و شبناه و یواح به ر بشاقیه گفتند تمنای ما از تو آنست که ببندگان خود بزبان آرامی سخن گوئی زیرا ما آنرا میفهمیم و بزبان یهودی باماتکلم نکنی » .
در کتاب عزرا آمده که سامریان به ارطحشتت (اودشیر در از دست) شاهنشاه هخامنشی نامه در شکایت از یهود نوشتند که بزبان آرامی بود : « در روزگار ارطحشتتا بسلام و میژدات

۵ - سفر تکوین ۱۰ : ۲۲ . ۶ - سفر تکوین ۲ : ۲۲ و ۲۱ و ۷ - انجیل متی ۱ : ۳ . ۸ - در عربی آرام Eram و آرم Arem و آرام Aram نام پدر عاد نخستین یا نام عاد پسین یا نام شهر ایشان یا نام مادر ایشان یا نام قبیله ایشان و کوهیست و آبست بدیار جدام در اطراف شام و علم و نشان که در بیابان بجهت راه پر با کنند با خاص است بنشان عاد و ارم ذات العماد دمشق یا اسکندریه یا موضع است بفارس ؟ و ارم الکلبه یا ارمی الکلبه موضع است میان بصره و مکه و آرام کوهیست میان مکه و مدینه و ذات آرام کوهیست بدیار خباب و ذو آرام چاییکه در آن اعلام کرده است عاد (منتهی الارب) در معجم البلدان یا قوت آمده آرام Aram سنگی است که چون نشان و علم نصب گردد و نام کوهی بین مکه و مدینه است

ارقت بذی الارام وهنأ وعادنی	عداد الهوی بین العیاب و حیستل
و ذات آرام نام گنبد سیاهی در بیابان است	
خلت ذاک آرام ولم تخل عن عصر	و اقرها من حلها سالف الدهر
و فاض اللثام و الکرام تفیضوا	فذلك حال الدهران کنت لاتدری

شاید امکانه مزبور در ازمنه سالفه مانند آرام جشور و آرام مغزا و آرام بیت رحوب از مساکن بعضی از اقوام آرامی بشمار میرفته که بعدها فقط نامی از آن مانده است

۹ - کتاب دانیال ۲ : ۴ در قصه خواب دیدن بخت النصر و تعبیر معبران ۱۰ - کتاب دوم

پادشاهان ۱۸-۲۶

(مهرداد) و طابیل. و دیگر یاران شان بارطحششنا پادشاه فارس نامه نوشتند که خط و ترجمه آن آرامی بود»^{۱۱}.

چنانکه از مطالب فوق و مدارک دیگر بدست میآید در متصرفات شاهنشاهان هخامنشی از سوی مغرب از خاک بینالنهرین گرفته تا کشور مصر اقوامی میزیستند که بزبان ایرانی آشنا نبودند اما همه آنان کم و بیش از خط و زبان آرامی اطلاع داشتند تماس این اقوام گوناگون غیر آریائی با ایرانیان سبب گردید که خط و زبان آرامی در ایران و شاهنشاهی آن رخنه کند و بدینوسیله رشته ارتباط بین اقوامیکه در ایران ساکن بودند بوجود آید. چون در روزگار هخامنشیان بسیاری از مردم آسیای صغیر یونانی زبان بودند ناگزیر در دیوانهای دولتی زبان و خط یونانی از برای ارتباط مردم این دیار طرف حاجت بود خشترباونها (ساتراپها) نامه ای را که بدربار شاهنشاه میفرستادند اگر مطالب آنها بایستی باطلاع همه مردم ایران برسد بمتن فرس نامه یک ترجمه آرامی نیز ضمیمه میکردند همچنین فرمانهای شاهی و دستورهای دولتی که بایستی همه رعایای کشورهای هخامنشی از آنها آگاه باشند بزبان فرس باستان و آرامی بود.

توکیدیدس مورخ یونانی متوفی در ۳۹۵ قبل از میلاد در تاریخ خود مینویسد که «مردمان آتن گذاشتند که از قرن فرستاده اردشیر اول نامه ای که از طرف پادشاه خود آورده و بزبان آرامی نوشته شده بود از برای اسپارتهها ترجمه کند»^{۱۲}.

دیگر از نویسندگان قدیم جهان که در آثار خویش بوجود زبان آرامی تصریح کرده اند اوسایوس قیصری^{۱۳} است که در تساریخ کلیسای خود در سفر اول در مبحث سیزدهم مینویسد که ابجر پادشاه رها پیرو دگار ماعیسی مسیح نامه نوشت که بزبان آرامی بود و آن نامه در خزانه آن دولت محفوظ است. و نیز در سفر چهارم کتاب خود در مبحث بیست و ششم تحت عنوان «عل بردیصان آرامی» راجع به ابن دیصان^{۱۴} آرامی مینویسد:

۱۱ - کتاب عزرا کتاب چهارم قمره هفتم ۱۲ - فرهنگ ایران باستان ج ۱ ص ۱۵۴

۱۲ - Eusébe de Césarée نام اسقف قیصریه و نویسنده و مورخ مشهور و صاحب کتاب نفیسی در تاریخ کلیسا است متولد و متوفی در حدود (۳۴۰-۲۶۵) میلادی

۱۳ - ابن دیصان (بسریانی بردیصان) متولد و متوفی در ۱۵۴-۲۲۲ میلادی یکی از علمای شام است که اصلا از نژاد پارت (اشکانی) بود و پدر و مادر او از ایران شهرها (اورفه حالیه) مهاجرت کرده و ابن دیصان در آنجا تولد یافت و بنهر دیصان رود خانه شهر رها منتسب گردید سال ۱۷۹ میلادی بآیین مسیح درآمد و از بزرگترین مسدافین کیش عیسوی در مقابل مخالفین و اهل بدعت بخصوص پیروان مرقیون شده ولی بعدها از خود آراء و عقایدی ظاهر ساخت که مورد قبول عیسویان نشده و او را مرتد خواندند ابن دیصان مردی شاعر و منجم و مورخ بود بشوئیت عقیده داشت و میگفت نور فاعل خیر است باختیار و ظلمت فاعل شر است باضطرار نیکی و بقیه در صفحه بعد

« ابن دیسان که از معاریف و مشاهیر آرامی زبان است و بدان زبان مهارت و براعت وافر دارد رساله‌ای بزبان آرامی در رد پیروان مرقیون^{۱۰} و دیگر مبدعان و نیز کتب و رسالات دیگر بدان زبان نوشته که آثار و مقالات او را از زبان آرامی بیونانی ترجمه و نقل کرده‌اند. یعقوب سرحی در تقریظ خود بر مارا فریم^{۱۶} مینویسد که ابن مردی است که تاج سمرمت آرامی است و قوم آرامی را بمقامات بلندی رسانیده است^{۱۷}.

بامثله و شواهدی که گذشت معلوم شد که از چند هزار سال پیش کلمه آرامی برای تسمیه قومی سامی نژاد که در حوالی بین‌النهرین و شام سکنی داشتند و بنا بر برخی از اعتقادات دینی

سود و بوی خوش عموماً از نور و روشنی است بدی و شر و زبان و عفونت از ظلمت بعمل می‌آید نور زنده ودانا و توانا و حساس و دراک است و حرکت و زندگی از ازوست و ظلمت مرده و نادان و عاجز و بیحرکت است و قابل عمل و تمیز نیست. دیسانه یعنی پیروان ابن دیسان در چین و خراسان و اراضی قسمت سفلی فرات یعنی ناحیه بطایح متفرق بوده و در قرن سوم هجری هنوز جماعتی از ایشان در عراق عرب وجود داشته‌اند یکی از مشاهیر ایشان ابو شاکر دیسانی است که خود را بفرقه امامیه بسته بود و با ابو محمد هشام بن الحکم متوفی در ۱۹۹ هجری در یک عصر میزیسته‌اند.

مذهب مانی از عقاید مرقیون و ابن دیسان اقتباسات بسیار کرده و این دو تن را از پیشگامان مانی میدانند و ذکر هر سه ایشان را غالباً در یک ردیف می‌آورند. عبدالله بن المقفع ایرانی متهم بوده است که کتب این سه را برای نخستین بار بزبان عربی ترجمه و در میان مسلمین منتشر ساخته است. خاندان نوبختی ص ۲۵

۱۵ - مرقیون Marcion از علمای روحانی مسیحی در سده دوم میلادی است که کلیسای عیسوی او را مرتد خواند و تکفیر کرد و از حوزه عیسویت طرد نمود و او از آن پس با ایجاد کیش تازه پرداخت که اساس آن از آئین مسیحی گرفته شده بود با این تفاوت که آسمانی بودن قسمت عمده از عهد عتیق یعنی تورات و یک قسمت از عهد جدید یعنی انجیل را انکار کرده و به تنویر یعنی دو اصل متضاد نور و ظلمت معتقد شد و گفت که این دو اصل ضد یکدیگرند و اجتماع آن دو با هم امکان ندارد و اصل سوم دیگری که از جهت رتبه پست تر از روشنی و فرار تر از تاریکی است بین آن دو میانجی آمیزش و سازگاری شده و عالم در نتیجه این اختلاط و جمع بوجود آمده است. عالم بعقیده مرقیون به سه طبقه که هر یک طبقه روی دیگری قرار گرفته منقسم شده است. طبقه اعلی مقرر خداوند رحمان و طبقه اسفل قلمرو ماده و طبقه وسطی که بر فراز زمین است حوزه اقتدار خداوند خالق یعنی ایجاد کننده عدالت و شریعت است که انسان را بصورت خود از ماده بوجود آورده است. پیروان مرقیون که بمرقونیه معروفند در ممالک ایتالیا و مصر و شام و ایران منتشر و تاملتها بعد از او در این نواحی باقی بوده‌اند. خاندان نوبختی ص ۲۵.

۱۶ - قدیس مارا فریم Ephrem از آباء کلیسای شرقی و از نویسندگان بزرگ سریانی و شاگرد مار یعقوب اسقف نصیین. است افریم در روزگار پادشاهی شاپورد دوم (ذوالا کتاف) میزیست مولد وی نصیین بود و بسال ۳۷۹ میلادی در گذشت ذکر آن او روز نهم ژوئیه است.

۱۷ - دلیل الراغبین فی لغة الایرامیین

خود را از فرزندان آرام بن سام بن نوح میدانستند استعمال میشده و زبان و نژاد آنان را از چندین قرن پیش از میلاد آرامی میخواندند و خلاف زعم برخی آن کلمه مستحدث و تازه نیست. تاریخ مهاجرت اقوام آرامی از کتیبه های میخی بابلی که از قرن ۱۴ پیش از میلاد مانده معلوم میشود که گروهی از اقوام سوتی Suti و احلامی^{۱۸} که هردو از قبایل آرامی بودند بنواحی دمشق و مناطق جنوبی فرات در نزدیکی خلیج فارس سکنی گرفتند.

بنابر این مراکز سکنی اقوام آرامی بدو ناحیه قسمت میشود دسته از ایشان در شمال غربی بلاد کنعان مأوی گرفتند و گروهی دیگر از صحرای عربستان بدشتمای بین التبرین و در پیرامون قلمرو بابل و آشور قدیم مهاجرت کردند. پادشاهان بابل و آشور کوششهای بسیاری در راندن قبایل آرامی از شهرهای آبادان خود کردند ولی بعلت مهاجرت مداوم آن اقوام بمناطق مزبور بدان کار توفیق نیافتند.

همچنین طایفه سوتی مزبور که سابقاً جزء معضی از آن کشور را اشغال کرده و باخود آرامیان از یک نژاد بودند بجلوگیری مهاجرین تازه وارد آرامی برداختند آرامیان ظاهراً تمام کشور آشور را متصرف شدند و همین مهاجرت بود که دولت قدیم آشور را خاتمه داد^{۱۹} مهاجرت و هجوم قوم هیت^{۲۰} در قرن ۱۲ قبل از میلاد بمناطق آسیای صغیر و سوریه و عراق و نهب و غارت ایشان در آن نواحی تمدن سامی بابل و آشور را تهدید بانقراض کرد و از اینرو دول سامی آنوقت چون خود را در برابر خطری بزرگتر دیدند از جلوگیری مهاجرت آرامیان بدان ممالک منصرف گردیده و با تمام قوا باقوم تازه نفس هیت که از طرف شمال ممالک ایشان را تهدید میکرد بنبرد برداختند. آرامیان نیز موقع را مقتم شمرد و با فراغ

۱۸- این قبایل اخلامه و در آثار متأخرتر آرامه خوانده شده است.

۱۹- تاریخ ایران تالیف سرپرستی سایکس ج ۱ ص ۱۰۹

۲۰- هیتها قومی بودند که در حدود ۱۷۰۰ قبل از میلاد دولتی نیرومند در آسیای صغیر تشکیل دادند و هزار سال این دولت دوام داشت تا در قرن هفتم قبل از میلاد بدست آسوری هانقرض شد در ۱۸۹۰ هییتی از اکتدفورد بریاست رام زی Ramsay در کاپادوکیه آسیای صغیر تحقیقاتی کرده آثار بسیاری از قوم هیت بدست آوردند. پایتخت این دولت ابتدا در پتر یوم بود که اکنون موسوم به بوغازک می است و بعد بشهر کار اکنامش (در تورات کر کمیش) انتقال یافتند از هیت ها آثاری در تل العمارنه مصر و بغارگ می مذکور کشف شده این نوشته ها نقوشی است و تصور میکنند که آن قوم قبل از اقتباس خط میخی باین خط مینوشته اند.

از کلیه آثار مکشوفه میخی هیتها علماسمی کرده اند که عقیده راجع بزبان آنان حاصل کنند بعضی مانند «هم مل» تصور میکنند که آثاری از زبان هیتها در زبان گرجی مانده «مار» عقیده دارد که اثراتی از آن زبان در زبان ارمنی هم مشاهده میشود از مجموع تحقیقات چنین بنظر میرسد که موطن اصلی هیتها همان آسیای صغیر بوده بعد اقوامی از ایشان بطرف جنوب و مشرق منتشر شده اند و بالاخص در قرن ۱۵ قبل از میلاد مهاجرت ایشان بیشتر بطرف جنوب روی داده است در تورات هیتی ها را ذریه حت بن کنعان مینویسد که در طرف جنوبی یهودیه در نزدیکی جبرون ساکن بودند.

بال از فرات گذشته در بلاد آباد عراق و سوریه و آسیای صغیر مسکن گزیدند ۲۱

در حدود ۱۳۰۰ قبل از میلاد آرامیها اول حمله بیابان بردند ولی بابلیها در برخی قسمتها در مقابل آنان مقاومت کردند و بالاخره آنان هجوم بآشور برده آن دولت را منقرض نمودند ولی کیفیت انقراض آن بدستی معلوم نیست ۲۲. اینان بهر جای که روی مینهادند کشاورزان را بفرمان خود آورده و بازرگانی آنجا را بدست خود میگرفتند و براههای کاروان رو تسلط مییافتند و در اراضی مفتوحه حکام و فرماندارانی از جانب خود میگذاشتند در حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد بدمشق و حلب چیره شدند و فرمانروایان سوریه را از میان بردند. آرامیان کم کم در تجارت پیشرفت کردند و بس ارفقیقیها تنها قوم سامی نژاد بودند که بانفوذ بازرگانی خود بهمراه جابراه یافتند مثلا در نینوا پایتخت آشور که بازرگانان ملل مختلف در آنجا گرد میآمدند آرامیها برتری داشتند در بابل نیز گروهی از آنان از بازرگانان بزرگ بودند و نفوذ سیاست آنان هم با تجارت ایشان پیش میرفت در حدود هزار سال پیش از میلاد الفبای فنیقی را از قوم فنیقی یا کنعانی که ده قرن قبل از ایشان بمنطقه لبنان و حوالی آن مهاجرت کرده بودند فرا گرفتند و بهر دیار و کشوری که نفوذ و غلبه یافتند این خط و الفبا را رواج دادند چنانکه خط فنیقی بدستگیری آرامیها بتدریج خطوط میخی بابلی و آشوری و ایرانی وغیره را که تاسده اول پیش از میلاد دوام داشت از میان برده و خود جای آنرا گرفت خط آرامی در آغاز برای یاد داشتهای تجار تی بکار میرفت سپس وسیله خواندن و نوشتن همگان گردید دیران که الفبای فنیقی را آموخته بودند در اول نوشته های خود را بزبان فنیقی نگاشتند هر چند که بدان زبان تسلط نداشتند اما چون این دو لهجه بسیار بیکدیگر نزدیک بودند مطالبر تفهیم و تفهیم میکردند پس از چندی همان الفبای فنیقی را آنچنان که بود برای نوشتن لهجه مادری خود یعنی آرامی بکار بردند اینچنین زبان آرامی را که از ریشه و بن زبانهای سامی دیگر بوده و آموختنش از برای مردمان سامی زبان دشوار نبوده با خط آرامی که الفبای ساده ای بود سراسر کشورهای اقوام سامی نژاد را فرا گرفت و از دریای مدیترانه گرفته تا پشتکوه یا کوه های زاگرس و خلیج فارس زبان بین المللی گردید چنانکه با ظهور اسلام و لشکر کشی اعراب زبان عربیکه با همه زبان های سامی بستگی دارد باسانی در سرزمین های اقوام سامی رواج یافت و آنها را از میان برد. در آشور و بابل و در سرزمینهاییکه بعدها ایرانیان راه یافتند و با زبان و خط آرامی آشنا شدند مانند همه کشورهای سامی نژاد زبان آرامی در قرن نهم قبل از میلاد در آن قطر از آسیا بخوبی رواج داشت جز اینکه در بابل زبان بومی باز چندی نزد درباریان و پیشوایان دینی مقاومت کرد ولی بالاخره مغلوب زبان آرامی گردید ۲۳.

۲۱- تاریخ لغات سامی و لغتون ص ۱۱۵ ۲۲- تاریخ ایران سرپرستی سایکس ج ۱ ص ۱۰۸

۲۳- فرهنگ ایران باستان ج ۱ ص ۱۵۰

دولت‌های آرامی: در حوالی سنه هزار قبل از میلاد که مقارن زمان داود نبی است دولت‌های کوچکی در سرزمین سوریه تا حدود کشور بنی اسرائیل بدست اقوام آرامی تشکیل گردید که از مشهورترین آنها کشور آرام دمشق در ناحیه دمشق و آرام صوبا ۲۴ در سرزمین حوران شام و آرام بیت رحوب ۲۵ در اطراف یرموک و آرام معضا ۲۶ در منطقه کوه حرمون و آرام جشور ۲۷ است. بعلاوه دولت‌های کوچک دیگری در سوریه شمالی تشکیل دادند که مهم‌ترین آنها در ناحیه شمشل و جرحوم بوده است.

ولی آرامیان بعنایت نزاع دائمی بین زعمای خود هرگز بتشکیل دولت نیرومندی مانند آشور و بابل و ایران قادر نبودند و پیوسته با خود و اقوام مجاور خود در جنگ بودند. مثلاً بنی اسرائیل از سه‌مگین‌ترین دشمنان آرامیان بشمار میرفتند در تورات در کتاب اول و دوم پادشاهان از جنگ‌هایی که در میان بنی اسرائیل و آرامیان رفته بسیار یاد شده که گاهی غلبه بایهود و زمانی پیروزی با آرامیها بوده است ۲۸ در همین زمان آرامیها در عراق و بین‌النهرین نیز دارای نفوذ و سلطه معنوی بوده و احیاناً حکومت‌هایی از خود در آنجا تشکیل داده بودند.

در تورات بین النهرین آرام ۲۹ نهرین و یا پدان آرام ۳۰ خوانده میشود باید دانست که استقرار اقوام آرامی در شرق و بلاد عراق بعد از روز گاردرا از تسلط و سکونت آنان در شمال غربی سوریه روی داد و هنوز قرن چهارم پیش از میلاد به نیمه نرسیده بود که زبان آرامی بجمیع السنه آن مناطق غلبه یافت و زبان بابلی یا آکادی با وجود مقاومت شدید از زبان‌های نیم

۲۴- این سرزمین جزئی از سوریه و در میان فلسطین شمالی و نهر فرات بود پادشاهان این کشور در زمان سلطنت شاول و داود و سلیمان بابنی اسرائیل مضاف داده و از ایشان در تورات یاد شده است. شهر بار صوباه در عصر سلیمان همدعز نام داشت تورات شهرهای حماة و باطح و بیروثای و حیلام را از بلاد تابع صوبا شمرده است بعضی بر آنند که صوبا همان شهر حمص است (قاموس کتاب مقدس) ۲۵- ربنسن گویند آن سرزمین در مغرب تل القاضی نزدیک قلعه حنین در کوه‌هایی که در مغرب اردن است واقع بوده لیکن تمسن بر آن است که بیت رحوب در بانیاس بوده است (قاموس کتاب مقدس) ۲۶- معضا کشور کوچکی در شمال فلسطین بود و احتمال میرود که ایل بیت معکه باشد (قاموس کتاب مقدس) ۲۷- کشوری بود در مشرق اردن و شمال باشان در نزدیکی کوه حرمون و بعینه نیست که جولان شمالی و لجه را نیز شامل باشد (قاموس کتاب مقدس) ۲۸- تاریخ لغات سامی و لفسن ص ۱۱۶ ۲۹- تورات سفر تکوین ۲۴: ۱۰- ۳۰- تورات سفر تکوین ۲۵: ۲۰ و ۲۸: ۲- ۷ باید دانست که نویسنده‌گان تاریخ کلبسیا اهل بین النهرین را گاهی سریانی و برخی اهالی ان سرزمین را در نسبت برود فرات فریشتن خوانده اند اما غالباً آنان را بنام قدیم خود آرامی میخوانند (دلیل الراعبین فی لغة الآرامین). در زبان پهلوی آن سرزمین را آشوستان و یاسورستان نوشته اند این کلمه از همان کلمه آشور یکی از اقوام قدیم سامی نژاد است که در بین النهرین سکونت داشتند و نیز رساله بزبان پهلوی در دست است که درخت آسوریک نام دارد و آن بمعنی درخت سرزمین آسورستان است که بین النهرین باشد.

مرده گردید و تاجندی پیش از میلاد بکلی از میان رفت.^{۳۱}

در عهد پادشاهی شلمنا سر پادشاه آشور ۸۵۹ - ۸۲۵ قبل از میلاد آشوریان جنگهایی با آرامیان کردند که تازمان سلطنت تیگلات پیلسر سوم متوفی در ۷۲۶ قبل از میلاد بطول انجامید. این پادشاه آرامیان را از دریای مدیترانه تا کوه های زاگرس (بشتکوه) از ناحیه بناحیه دیگر کوچ داد. و شهرها و آبادیهای آنان را ویران ساخت و در زمان وی بود که ارکان دول آرامی در سال ۷۳۸ قبل از میلاد متزلزل شد و بالاخره حکومت های ایشان در سوریه در ۷۱۰ قبل از میلاد پس از سقوط دولت شمل به غلبه لشکر آشور بر چیده و متقرض گشت اما نفوذ سیاسی و معنوی آرامیان در بلاد عراق و سوریه باقیماند و آنان در امور بابل و آشور و ایران و بعداً در حکومت های یونانی و رومی آسیا دخالت یافته و سقوط دول آرامی در سوریه مانع انتشار تمدن و زبان ایشان در بین سایر امم سامی و ملل دیگر نگردید چنانکه دیری نگذشت که زبان آرامی در میان ملل که در بین دریای مدیترانه و ایران سکونت داشتند زبان بین المللی گردید^{۳۲} چنانکه بتدریج زبان و کتابت محلی از میان رفت و خط و زبان آرامی جای آنها را گرفت مثلاً در مصر زبان بومی فقط در میان توده مردم بخط هیرو گلیف که آن زمان ساده تر شده بود نوشته میشد اما در دیوان های دولتی و اسناد رسمی خط آرامی بکار میرفت و نیز هنگامیکه ایرانیان بسرمینهای آشور و بابل و آسیای صغیر و سوریه و مصر دست یافتند با اقوامی سروکار پیدا کردند که زبان و خط آرامی در میان آنان رواج داشت ناگزیر همین زبان و خط وسیله ارتباط دیوانهای دولتی هخامنشیان گردید در خود فلسطین مرکز زبان عبری و مسکن بنی اسرائیل در سال ۷۰۵ پیش از میلاد آرامی زبان سیاسی بود^{۳۳}

زبان آرامی در بین سیمصد سال قبل از میلاد تا ۶۵۰ میلادی بمتنها درجه نفوذ و وسعت خود رسید و بطوریکه از روی آماری دقیق حساب کرده اند در آن روزگار مساحت منطقه نفوذ زبان آرامی بششصد هزار کیلومتر مربع میرسیده است^{۳۴}

دنانه دارد

۳۱- فقه اللغة دکتروافی ص ۴۴

۳۲- تاریخ لغات سامی و لغتس. ۳۳- فرهنگ ایران باستان ص ۱۵۳